

تسلا از عذاب تاملان تو می آید و آن عظمی است و شایسته خداوند است  
 تو هم تو رفیق عمل است و فضل تو سجا کند چون که منزه از صفات نقص  
 و منصف می آید به بیان اشعقر الله الذي لا اله الا هو  
 الحق القنوم و انوب اليه قلت مراتب معنی  
 ترند مروی است از ابو سعید خدری رضی الله عنه که رسول خدا زود خواربانی  
 استغفار می خواند سه بار پس تولا ثمت مراتب ظرف بقول مقدس و غیره  
 من قالها غفرت ذنوبه الخان که بیدار می آید و در ورق السجود عدد  
 بر مل علاج او عدد ایام است که می طلب می کند مغفرت را زبان از خدا  
 که مقصود است باین صفات و رجوع میکنم به مرتبت او باین دهان تو که  
 القوم مضمون است عما الخرج یا بر این که صفات بعد صفت است الله  
 و در بعضی شرح است که لقب یا بر بدلیت است از موصول است و مع  
 یا بر بدلیت است از موصول است و رفع یا بر بدلیت از موصول است  
 که موصول است و هم در کلام باشد لا اله الا الله و حده  
 لا شريك له له الملك وله الحمد وهو على كل شيء قدير  
 حواله لا قوة الا بالله العلي العظيم و الحمد لله الذي لا اله الا هو  
 یعنی در صحیح ابن جناب مروریست از ابوهریره رضی الله عنه  
 نشانی بر بدلیت از قول ابوهریره موقوف و لفظ حدیث است من قالها  
 یا ربی الی غیره یعنی اولاً و بعد یا ه و انکانت مثل ربی الخ  
 و یقول وهو یضطر الله رب السموات و رب الارض  
 و رب العرش العظیم ربنا و رب کل شیء فالق الحبت

والتوفی

و التوفی و منزل التوفی له و الخجل و الخرقان ان اعوذ بك  
 من شئ کل شیء و انت اخذ بنا صیبه اللهم انت الاول  
 فليس قبلك شیء و انت الاخر فليس بعدك شیء و انت  
 الظاهر فليس فوقك شیء و انت الباطن فليس دونك  
 شیء و ارض عنا الذنوب و اغننا من العقص  
 فلقی کما فن از باب ضرب چه و نه حسب جواب جمع نوازه و نه  
 طوعا نوری جمع اول نخست نقیض آخر در اصل اول بوده مهور العین و نه  
 ان فعل بقره را و او را نیز ادا هم این را و در او که و نه بدلیل قول در باب  
 هذا اول است اول جمع و اولی نیز جمع است بر طبق او که در شرح است  
 و قبل او در اصل و اول بودن بر ذل فوعمل او و فعل او بقره بدل کردن او که  
 سپس آخرت مونس او و فرجه ظهور بقره شدن در جبهه شدن ظاهر علیه  
 ای غلبت یمن نمان در صحیح مسلم و سنن ابوداود و مصنف ابن ابی شیبہ  
 مروریست از ابوهریره رضی الله عنه و در سنن ابویساح موصوف است از حضرت عماره بن  
 رضی الله عنهما که رسول خدا فرمود که ای کعب بن عجره خوارب ملکقت و حال  
 انکم یهلوا بریبه نهتنه است این دعا را ای خدا برود که راسما نهانی هفت ای  
 مخلوقات برود و کاین و نهضات است از رشت بر اصول اسباب کعبه  
 عالم در سب العرش العظیم و ای برود و کار عرشه که عظیم است و محبت است  
 هفت ای العظیم بحسب که صفت عرش است و در شرح است که صفت  
 ربیست و هر یک از لفظ رب و قالی در منزل که از آن است یا منزلی که  
 یا بر نوا و صفت مناد و در یک کلماتی نوبت بود از تخفیف کف و نازل است

یقول  
 یضطر